

بررسی مطالبات اجتماعی زنان در جراید عصر مشروطه (با تأکید بر نامه‌نگاری‌های زنان در روزنامه‌ی ایران نو)

محمد علی علیزاده^۱، علی باغدار دلگشا^{۲*}

چکیده

هدف این پژوهش بررسی مطالبات اجتماعی زنان در مطبوعات عصر مشروطه با تأکید بر روزنامه ایران نو در سال ۱۳۲۷ قمری ۱۲۸۸ شمسی و شمارگان سال نخست این روزنامه می‌باشد. روزنامه‌ای که با چاپ نگارش‌های زنان که بیشتر رویکرد مطالبه‌گری حقوق اجتماعی آنان را دارد نقشی اساسی در بیداری، آگاهی و به ثمر رسیدن، مطالبات اجتماعی زنان ایرانی راداشته است. این پژوهش به روش اسنادی و با شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی گردآوری شده است. اهمیت پرداختن به این دوره نیز به دلیل حضور فعال اجتماعی زنان برای نخستین بار به شکل شبه صنفی می‌باشد. دوره‌ای که زنان به مطرح کردن درخواست‌های اجتماعی خود می‌پردازند که در این بین ایجاد مدارس برای دختران و تلاش برای فراهم کردن زمینه‌های سوادآموزی دختران از اصلی‌ترین یافته‌ها و نتیجه-گیری‌های آنان بوده است. این تحقیق به ثمر رسیدن تلاش اجتماعی زنان و احقاق حقوق اجتماعی آنان را در شکل ایجاد مدارس دخترانه نشان می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: مطالبات اجتماعی، مدارس، زنان ایرانی، مشروطه، "ایران نو".

^۱ - عضو هیأت علمی گروه تاریخ در دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود

^۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ در دانشگاه فردوسی مشهد

*- نویسنده مسوول مقاله: ali.b.delgosha@gmail.com

مقدمه

این پژوهش با توجه به اهمیت نقش مطبوعات در یکی از مهم‌ترین ادوار تاریخ نوگرایی ایران، یعنی دوره مشروطه، به بررسی خواسته‌های گروهی می‌پردازد که تا پیش از آن، از حقوق اجتماعی مناسبی برخوردار نبودند. زنان با شروع حرکت مشروطه‌خواهی، فضای ایجادشده در جامعه را برای مطرح کردن مطالبات اجتماعی خود مناسب دیده و شروع به انجام آن کار در قالب درج مکتوبات خود در مطبوعات به عنوان منبع مهم اطلاع‌رسانی در زمانه مشروطه نمودند.

تحقیقات در مورد مطالبات اجتماعی زنان در دوران مشروطه، نمایانگر حرکت اجتماعی زنان در ایران از آن هنگام است. علت انتخاب این دوره زمانی نیز، اهمیت حضور زنان برای اولین بار در چارچوب رسمی و تا حدودی شبه‌صنفی در فعالیت‌های اجتماعی در ایران است. دوره‌ای که وضعیت نابسامان اجتماعی در آن، در کنار نفوذ فرهنگ غربی، زمینه را برای طرح نظریه‌های جدید، بویژه در حوزه زنان در قالب ایجاد مدارس دخترانه، انتشار روزنامه و ایجاد انجمن‌های سری و نیمه-سری زنان را هموار کرد. این تحقیق در راستای بررسی مطالبات اجتماعی زنان، تأکید خود را بر روی روزنامه ایران نو و شمارگانی از این روزنامه قرار داده است که در سال ۱۳۲۷ ق. منتشر می‌شدند.

این پژوهش قصد دارد به ارائه تحلیلی از اصلی‌ترین درخواست زنان ایرانی و بررسی نوع مطالبات اجتماعی آنان در عرصه روزنامه نگاری زنان بپردازد. تلاش زنان در مشروطه را می‌توان در نامه نگاری‌های آنان در مطبوعات این دوره جست و جو کرد. در نامه نگاری‌های زنان مواردی چون تلاش برای ایجاد مدارس نسوان و سوادآموزی برای دختران، تلاش برای حضور در عرصه‌های فرهنگی در قالب تأکید بر طبیعت و نقش مادری و ایجاد زمینه‌های استقلال ملی دیده می‌شود.

مبانی نظری پژوهش

به نظر می‌رسد برجسته‌ترین مورد در راستای تلاش اجتماعی زنان، اقدامات آنان در راستای ایجاد مدارس نوین بوده است. در بررسی اقدامات و نگارش زنان، تأکید این پژوهش بر روی روزنامه ایران نو می‌باشد. روزنامه ایران نو در میان تمام مطبوعات عصر مشروطه، بیشترین سهم درج نامه‌های نسوان در این دوره را به خود اختصاص داده است. به نظر می‌رسد اندیشه‌های مطرح شده در نامه-نگاری‌های زنان نشان از نوعی خیزش فمینیستی (اندیشه‌ای که خواهان تساوی و بهره‌مندی برابر حقوق اجتماعی برای زنان را دارد) می‌باشد. در این میان سؤال‌هایی که مطرح هستند، عبارتند از: تأثیر حرکت مشروطه بر طرح مطالبات اجتماعی زنان چه میزان بوده است؟ مهم‌ترین مطالبه‌ی اجتماعی زنان در مطبوعات عصر مشروطه به ویژه روزنامه ایران نو چه بوده است؟ آیا می‌توان درخواست ایجاد مدارس دخترانه را اصلی‌ترین مطالبه جامعه شناختی زنان در دوره مشروطه

دانست؟ سوال مهم دیگر در این زمینه این می‌باشد که زنان برای رسیدن به ارزش‌های فرهنگی که از آن محروم بودند بر چه شاخصه‌ای برای رسیدن به مقصود خود بیشتر تأکید می‌نمودند؟ در این پژوهش بر اساس رویکرد توصیفی-تحلیلی، مطالبات زنان مورد بررسی قرار گرفته‌است. بررسی میزان به کار رفتن واژگان معرف مردان و زنان، میزان تکرار کلمات کلیدی و تکرار کلماتی چون ایران و مدرسه از دیگر مبانی نظری این پژوهش است. از نظر جامعه‌شناسی نیز به کار رفتن واژه "خواهران" که زمینه ساز نگرش اتحاد جمعی میان زنان است و واژه "برادران" برای ایجاد نگرش احساساتی در مردان به دلیل مخاطب اصلی نامه‌های زنان در این نامه‌نگاری‌ها، مورد تحلیل قرار خواهد گرفت. دوره زمانی این پژوهش نیز از سقوط استبداد صغیر در سال ۱۳۲۷ق/۱۲۸۸ ش تا ۱۳۲۹ق/۱۲۹۰ش و دوره زمانی روی کار بودن مجلس شورای ملی دوم می‌باشد. پژوهش‌هایی که به طور کلی به مسأله زن در دوره مشروطه یا با تأکید بر مطبوعات عصر مشروطه صورت گرفته باشند متعدد هستند، اما نگارشی که با نگرش تحلیل محتوایی، نامه‌نگاری‌های زنان را مورد بررسی قرار داده باشد، بسیار کم می‌باشد. در مجموع در مورد پیشینه این پژوهش، موارد ذیل را می‌توان مطرح نمود.

مقاله "تحولات اجتماعی زنان در روزنامه‌های ایرانی از آغاز تا پایان مشروطه دوم" از دیگر پیشینه‌های این پژوهش است. در این مقاله ارزش زنان ملل دیگر در روزنامه‌هایی چون وقایع اتفاقیه به ترتیب زیبایی زنان و نقش مادری آنان است. نویسندگان آن مقاله همچنین اشاره دارند در رابطه با موضوع تحولات زنان اروپایی، در میان مطبوعات درون مرزی عصر مشروطه، بیشترین توجه به این امر در روزنامه ایران‌نو وجود دارد که در آن بیشترین توجه به انگلستان است (Hazrati, 1389:54). در رابطه با این ادعا نیز باید اشاره داشت یکی از دلایل توجه زیاد روزنامه ایران‌نو با مسأله تحولات زنان اروپایی، میزان شمارگان بالای آن و روزانه چاپ شدن آن می‌باشد. هم‌چنین به دلیل حفظ استقلال ملی، بیشترین توجه این روزنامه به تحولات زنان، بیشتر به زنان کشورهای آسیایی مانند عثمانی، مصر و به خصوص ژاپن بوده است. از دیگر نقدها به این مقاله این است که نگارندگان در مقدمه، بررسی ۱۱ روزنامه را مطرح می‌کنند (Idid:44) اما در نمودار "دوره زمانی انتشار روزنامه‌های مورد بررسی" ۱۰ روزنامه معرفی می‌شود و اطلاعاتی در رابطه به روزنامه "اطلاع" داده نمی‌شود (Idid:56). در پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان "بررسی مطالبات اجتماعی زنان در مطبوعات دوره مشروطه: با تأکید بر روزنامه‌های صوراسرافیل، مساوات و ایران‌نو" به طرح برخی مباحث در خصوص مطالبات اجتماعی زنان مانند ایجاد امنیت، دادخواهی و تظلم و مسأله حق تحصیل پرداخته شده است (Baghdar Delgosha, 1394:84-100). هم‌چنین در مقاله "بررسی جامعه‌شناختی روزنامه‌نگاری زنان در عصر مشروطه: با تأکید بر روزنامه‌های زنان" نیز به بررسی مطالبات اجتماعی زنان به ویژه در روزنامه‌های زنان به سردبیری صدیقه دولت‌آبادی

پرداخته شده که مطالب مندرج در بخش نامه‌نگاری زنان در روزنامه ایران‌نو را می‌توان به عنوان پیشینه این تحقیق مورد استفاده قرار داد (Zanjani zadeh, 1394: 61- 80).

هدف از این تحقیق بررسی نامه‌های مندرج از زنان در مطبوعات دوره مشروطه با تأکید بر روزنامه ایران‌نو می‌باشد. این پژوهش که به روش اسنادی و با استفاده از سیوه توصیفی- تحلیل گردآوری شده در مجموع ۵۹۰ شماره از روزنامه‌های کاهو، تمدن، مجلس، بهلول، انجمن، ندای وطن و دو روزنامه منتشر شده توسط زنان به نام‌های شکوفه و زبان زنان را مورد بررسی قرار داده است. همچنین این پژوهش با برشماری کامل ۴۲۰ شماره موجود و قابل دسترس از شمارگان روزنامه ایران‌نو به تحلیل موضوعی ۵۳ نامه مندرج از زنان در قالب بررسی مطالبات اجتماعی زنان پرداخته است. این تحقیق به این نتیجه رسید که مسأله حق تحصیل موضوع محوری نامه‌های زنان در روزنامه ایران‌نو بوده است.

سیمای زنان در جامعه عصر قاجار

زنان در باور سنتی عصر قاجار از نقش‌های اجتماعی محدودی برخوردار بودند. آنها با شکل‌گیری حرکت مشروطه‌خواهی در پی رسیدن به حقوق اجتماعی خود برآمدند. زنان در عصر قاجار از حق تحصیل محروم بودند و به آنان به عنوان موجودی فاقد فکر نگریسته می‌شد (Sadeghi, 2007: 250). همچنین عرصه ادبیات و اجتماع هم که در اختیار مردان بود و این نگرش یک رویکرد مطلق مرد سالار بود که موضوع آن، تنها مرد و فعالیت‌های او بوده است (Millani, Zinsser, 1993: 3-5). 405: 1999 بر اساس این نوع خاص از نگرش به زنان بود که مردان، مأمّن در آسمان دارند و زنان مقصور و محصور در حصار هستند که گلستان تلقی می‌شود (Millani, 1379: 214). نتیجه تلاش اجتماعی زنان در این دوره نیز، بازگرداندن جنس زن به تاریخ و در دست گرفتن تاریخ اجتماعی زنان به دست خود آنان بود^۱. در نگارش تاریخ قرن ۱۹ نیز پیشرفت در تقابل با ارزش‌های زنان تعریف می‌شد. همچنین روایت‌های تاریخی نیز اهمیت سلسله‌مراتب جنسی را نیز برای نظم‌های سیاسی در راستای محدودیت زن نیز حفظ می‌کردند (Spongberg, 2002: 58). با توجه به این نوع نگرش و نگارش، آنچه نقش طبیعی زنان نامیده می‌شد، در حقیقت ساخته‌ای فرهنگی برای بیان برتری مرد و فرودستی زن بود (Offen, 1991: 1-2) به صورتی که حتی اگر قرار بود ویژگی‌های مثبت زنی هم برشمرده شود، آن ویژگی‌ها با شرایط و امتیازات مردانه مقایسه می‌گردید.

با این حال در ایران عصر مشروطه نیز بیشترین تلاش زنان، برای به دست آوردن حقوق اجتماعی شان بود. زنان در نامه‌هایی که برای مطبوعات می‌فرستادند، شیوه نگارش خاصی داشتند.

۱ - در مورد محدودیت های اجتماعی زنان ایرانی و محرومیت آنان از حقوق شهروندی، ر: ک

آنها نامه‌های خود را به نثری ساده و نزدیک به زبان گفتاری می‌نگاشتند و بارها از مخاطب دوم شخص، که خطاب آن عموماً مردان بودند، استفاده می‌کردند (NajmAbady, 1374: 94). یکی از زنان عصر قاجار در توصیف محدودیت سوادآموزی برای زنان اشاره دارد که پس از آن که اندکی از دختران توانستند وارد مکتب خانه شوند، بعد از چند سال تحصیل "پدران عزیزمان با کمال تغییر کتاب و قلم را از دستمان گرفته، پاره کرده و شکسته و به دور می‌انداختند که چه معنی دارد دختر خط داشته باشد" (Tamaddon, 1325: 3). در چنین جامعه‌ای، سوادآموزی "نگ خانوادگی" تلقی می‌شد (Eid, 2002: 99) حتی در میان زنان ناصرالدین شاه نیز کسانی بودند که سواد خواندن و نوشتن داشتند، اما به دلیل منفی بودن این امر حتی ناصرالدین شاه نیز که شخص اول مملکت بود از سواد دانشی آنان بی‌خبر بود (Milani, 1992: 96). در حقیقت محرومیت و محدودیت دو ویژگی بود که زنان ایرانی در عصر قاجار با خود به همراه داشتند.

در پی تقویت نگرش‌ها و مطالبات اجتماعی، نامه‌های زنان نوشته می‌شد. این بار در برابر رساله‌های تأدیبی علیه زنان، بی بی خانم استرآبادی رساله معایب الرجال را می‌نوشت. البته در جامعه آن روز ایران رساله‌های تأدیبی بسیار بیشتر از "معایب الرجال"ها بود (Javadi, 1992: 13). بی بی خانم استرآبادی در این رساله بیشتر به مقایسه زنان ایرانی با زنان اروپایی می‌پرداخت و در تلاش بود تا زمینه‌های آگاهی را در زنان افزایش دهد.

در این زمان "حدیث نفس نویسی" زنان افزایش یافت و تاج‌السلطنه، خاطرات خود را نوشت. در دوره مشروطه، سبک جدید طنزنویسی و روزنامه نگاری ایجاد شد. گروهی به انتقاد از شرایط طبقاتی و تبعیض جنسی در جامعه پرداختند (Afary, 1996: 3) و گروهی دیگر نیز به انجام فعالیت‌های فرهنگی روی آوردند. در این بین در خصوص جایگاه اجتماعی زنان فعال در حوزه فرهنگی و اجتماعی در دوره مشروطه باید اشاره داشت که در ایران نیز مانند غرب، زنانی که در تاریخ روایت شده‌اند، مادران، دختران، همسران، خواهران و معشوقه‌های مردان مشهور بوده‌اند. یا مردان آنها کاری بزرگ کرده‌اند که به دلیل آن، این زنان مورد توجه قرار گرفته‌اند (Zinsser, 1993: 3-5).

در راستای ایجاد این نامه‌نگاری‌ها، زنان روی به نگارش و انتشار روزنامه آوردند. اولین روزنامه زنان، "دانش" بود که پس از سی شماره به دلایل مالی تعطیل شد. فعالیت زنان در روزنامه شکوفه و تلاش صدیقه دولت آبادی در تأسیس اولین روزنامه زنان در اصفهان با عنوان "زبان‌زنان" نشانی از تلاش مطبوعاتی زنان است. حرکت مطبوعاتی زنان در این دوره از این جهت اهمیت بیشتر می‌یابد که زنان عصر مشروطه، دوگانگی طبیعت و فرهنگ در تفکر مرد سالارانه را به چالش می‌کشند (Fasahi, 1389: 119). در بررسی عوامل مشروطه در ایران، زنان و مطالبات اجتماعی آنان، نقشی مهمی ایفا می‌کند. حرکتی که تضادهای اساسی اجتماعی مانند: تضادهای طبقاتی، جنسی،

فرهنگی و مذهبی در پیدایش و و پیروزی آن، نقشی مهم داشت (Afary, 1996: 1-2). در این میان تضاد مردان و زنان در برخورداری از حقوق اجتماعی قابل مشاهده است.

قصد حضور زنان در تحسن سفارت انگلیس (Kermani, 1387: 454)، کمک مالی به متحصنان در سفارت (Ibid)، تهدید مظفرالدین شاه از سوی زنان و مقابله نظامی به عین الدوله در زمان تصرف تبریز (Rafeie, 1362: 19-118) نمونه‌هایی از مشارکت‌های اجتماعی زنان در تحولات مشروطه است. حضور فعالانه زنان در عرصه اقتصاد هم قابل توجه است. آنان برای تأسیس بانک ملی و رفع بحران‌های مالی دولت نیز مشارکت خود را نشان دادند.

زنان با آن که کمترین بهره را از مزایای اجتماعی داشتند، اما از تلاش برای رسیدن به اهدافشان خودداری نمی‌کردند. زمانی که ترویج کالاهای داخلی در دستور کار مجلس اول قرار گرفت، انجمن‌های زنان اعلام کردند که از مصرف کالاهای خارجی خودداری خواهند کرد. در این بین در مطبوعات این زمان روزنامه شکوفه برجسته‌ترین روزنامه‌ای بود که از نظر اقتصادی به استفاده از کالاهای ملی توجه می‌نمود. زنان در انجمن غیبی نسوان در نامه‌ای خطاب به نمایندگان مجلس اشاره کردند اگر توان اداره کشور را ندارید "رسمًا توسط روزنامه ندای وطن به [ما] خبر داده چهل روزی هم کار را به دست ما زنها واگذارند" (Nedaye vatan, 23 shaban, 1325: 2-4). در عرصه مشارکت و تلاش برای شرکت در حرکت مشروطه خواهی و احیای حقوق، زنان در نامه‌ای خطاب به مجلس شورای ملی، تقاضای اجازه شرکت در فعالیت‌های سیاسی را داشتند. آنها با این پاسخ مجلس روبرو شدند که "امور پلتیکی و امور سیاسی" اختصاص به مردان دارد و زنان حق مداخله در آن را ندارند (Majles, 16 Shawwal Mukarram 1325: 3).

حضور زنانی مانند تاج‌السلطنه به عنوان برجسته‌ترین شخصی که از وضعیت ناگوار زنان در ایران سخن راند (Mahdi, 2004: 428) و افرادی مانند آغابگم دختر شیخ هادی نجم‌آبادی که سخنرانی‌هایش نقدهایی به دولت و مجلس وارد می‌آورد، باعث ایجاد انگیزه و تحریک کننده دیگر زنان بود (Mansour, 1363: 24). صدیقه دولت آبادی، خواهر یحیی دولت آبادی، صفیه یزدی، همسر شیخ محمد حسین یزدی، همسران ملک المتکلمین و حسن رشیدیه در دادخواهی حقوق زنان و رزم زنان در کنار ستارخان در دوران استبداد صغیر، هر یک نشان از تلاش پایدار زنان است.

مطالبات اجتماعی زنان در "ایران نو"

روزنامه ایران‌نو از مهم‌ترین مطبوعات دوره مشروطه است که بعد از سقوط استبداد صغیر منتشر می‌گردید. هم‌چنین معنی واقعی روزنامه به شکل چاپ روزانه را نیز دارا بود. روزنامه ایران‌نو به دلیل داشتن گرایش دموکرات، علاوه بر درج نامه نگاری‌های زنان، نامه نگاری‌های مردانی را هم که به دفاع از حقوق اجتماعی زنان به نگارش نامه می‌پرداختند را هم، چاپ می‌کرد. بیشتر نامه-نگاری‌های زنان در این روزنامه توسط مدیران مدارس نسوان به نگارش در آمده است. این امر در

صورتی می‌باشد که حتی، نخستین نامه‌ای که از زنان در این روزنامه به چاپ می‌رسد با عنوان "امتحان دبستان ناموس در سنکلیج" می‌باشد که نگارنده نامه "مدیرمدرسه ناموس"، به شرح دروس خوانده شده توسط دختران در آن مدرسه می‌پردازد و دبستان‌ها را باعث رشد علمی دختران معرفی می‌گردید (Iran no, 12 shaban 1327: 1).

بر اساس نامه نگاری‌های زنان در روزنامه ایران‌نو، اصلی‌ترین مطالبه اجتماعی زنان، تلاش برای ایجاد مدارس دخترانه می‌باشد. در این میان دو نکته اساسی در پی نامه نگاری‌های زنان ظاهر می‌گردد که یکی ایران است که در نقش مادر تمام ایرانیان ظاهر می‌شود و بدل به مام وطن می‌گردد، امری که از نظر بررسی خواستگاه جامعه شناختی، می‌توان هم زنان طبقه بالای جامعه و هم زنان فرودست جامعه را جزء مروّجان آن نظریه دانست. دیگر آن که زنان برای بهره مندی از مزایا و ارزش‌های فرهنگی بر نقش و طبیعت مادری خود تأکید می‌ورزند و در راستای تأکید بر همین نقش مادری می‌باشد که خود را "اساس تمدن" معرفی می‌نمایند (Iran no, 12 shaban 1327: 2).

زنان در نامه نگاری‌های خود، به روایات ملی و تاریخ ایران باستان نیز توجه دارند. در نامه ای در مورد جایگاه و مقام زنان در دوران باستان، اشاره می‌گردد زنان در دوران ایران باستان از مقامی بالا برخوردار بودند و "در سلسله سلاطین ساسانی دو تن از شاهزاده خانم‌های ایرانی آپوراندهخت و آذرمدخت] به تخت سلطنت جالس بودند" (Iran no, 27 shaban 1327: 2). در این نامه نگاری‌ها، وطن یعنی ایران، نقش زنانه به خود می‌گیرد و "نسوان [...] وطن حقیقی نوع بشر" معرفی می‌شوند (Ibid: 2) و تربیت و میزان رشد علمی فرزند را، وابسته به میزان علم و تربیت مادر می‌دانند (Ibid) در رابطه با ارتباط تربیت فرزند و میزان دانش مادر، در نامه "مکتوب یکی از خانم‌های ایرانی" که به قلم زنی به نام طایره می‌باشد، مطرح می‌شود "در هر مملکتی که طایفه انائیه بی- تربیت ماندند در آن مملکت ترقی و تمدن غیر ممکن است زیرا که تربیت و تمدن اطفال به عهده مادر است و هم‌چنین راحت و ثروت مردان به واسطه وجود نسوان تربیت شده با تمدن است" (Iran no, 27 shaban 1327: 2). یکی از ویژگی‌های زبانی مهم در نامه نگاری‌های زنان، به کار بردن واژگانی است که در معرفی جایگاه جامعه شناختی خود به کار می‌گیرند. تا قبل از این واژگانی مانند نسوان، مخدرات و کمینه برای معرفی زنان توسط خودآنان و دیگران برای معرفی آنها به کار گرفته می‌شود، در حالی که در دومین نامه زنان در روزنامه ایران نو با عنوان "خطابه یکی از شاگردان دبستان ناموس در مجلس امتحان" از واژه‌ی تازه "خانمها" استفاده می‌گردد (Ibid: 2).

در عرصه مشارکت‌های اقتصادی نیز، در نامه‌ای با عنوان "آغانه به وطن"، نگارنده نامه "بدرالملوک"، با توضیح این مطلب که اداره و آبادانی ایران نیاز به پول دارد، به دعوت دیگر زنان ایرانی می‌پردازد تا هریک به قدر وسع به دولت مشروطه از نظر مالی کمک کند (Iran no, 22 shaban 1327: 2). نمونه دیگر، درخواست در نامه "از مدرسه عفاف" می‌باشد که یکی از شاگردان

مدرسه، قبل از آغاز امتحان به سخنرانی می‌پردازد و اشاره دارد زنان و دختران باید برای آبادانی ایران، تلاش کنند (ibid, 17Ramezan 1327:4) زنان در نامه نگاری‌های خود، نیمه دیگر بودن خود را به جامعه‌ی مردسالار یادآوری می‌کنند و از "جنس نسوان" سخن به میان می‌آورند (ibid, 27 shaban 1327: 2). در نامه‌ای با عنوان "از بنیان دبستان دختران"، "دختران شمس المعالی" اشاره دارند "اگر چه نسوان هستیم ولی نسیان نداریم" (ibid, 29 shaban 1327: 3). در این عرصه زنان به نقد جامعه مردسالار پرداخته و به انتقاد از محرومیت و محدودیت تحصیل نسوان می‌پردازند و در پی اعلام موجودیت خود در جامعه هستند. در نامه‌ای با عنوان "مکتوب یکی از خانمهای ایرانی" که نویسنده آن نامعلوم می‌باشد، عنوان دارند: "گویا فتاده از قلم دوست نام ما [ا] وان ذره که در حساب ناید مائیم" (ibid, 18Ramezan 1327: 4).

در این نامه‌نگاری‌ها مباحثی چون دادخواهی، مانند نامه "معصومه زن مجیدخان مقتول" (Iran no, 12 shawwal 1327: 3)، اعلان ایجاد مدارس نسوان (ibid, 16 shawwal 1327: 4)، تقاضای کمک مالی (ibid, 11 shawwal 1327: 3)، به سرقت رفتن اموال نسوان و گلایه از رشوه-گیری "کمیسر" (ibid, 18 shawwal 1327: 4)، تقاضای مشارکت در فعالیت‌های سیاسی و برگزاری مراسم در شادی برقراری مجدد مجلس شورای ملی (ibid, 3 Zeghade 1327: 2) و انتقاد از تعدد زوجات و نادیده گرفتن حقوق اجتماعی زنان، مطرح شده است. در این بین درست است که زنان در نامه نگاری‌های خود به مطرح کردن درخواست‌های اجتماعی خود در حوزه‌های متعددی چون حقوق شهروندی، امنیت اجتماعی و استقلال مالی می‌پردازند و به برخی باورهای جامعه مانند اعتقاد به تعدد زوجات انتقاد وارد می‌کنند، اما گویا برجسته‌ترین و اصلی‌ترین مطالبه اجتماعی آنان در این دوره، مطالبه‌هایی می‌باشد که رویکرد فرهنگی و آموزشی دارند.

تحلیل محتوای نامه‌نگاری‌های زنان

تحلیل محتوا یکی از مباحث کاربردی است که پژوهشگران با استفاده از این روش، به واریسی داده‌های متنی خود می‌پردازند. روش تحلیل محتوای کمی نیز در مباحث علوم اجتماعی کاربرد زیادی دارد. از این طریق می‌توان به تحلیل تصاویر، حرکات، نحوه ادای کلمات، تکرار کلمات، لحن به کار رفته در کلام و غیره پرداخت. با استفاده از روش تحلیل محتوا می‌توان لایه‌های پنهان و زیرین پدیده‌های مرتبط با موضوع پژوهش را به دست آورد. در حقیقت تحلیل محتوا در عرصه مطبوعات و نامه‌نگاری‌های زنان باعث می‌شود اهداف نگارنده نامه را به دست آوریم و دلایل ارسال پیام و نتایج مترتب بر آن را مورد بررسی قرار دهیم. به طور نمونه، براساس نظر ون‌دایک در کتاب ایدئولوژی و رویکرد میان رشته‌ای، ضمیر "ما" که از نظر زبان‌شناسی به منظورارجاع یا اشاره به مفهوم درون گروهی گوینده یک متن مورد استفاده قرار می‌گیرد، ممکن است با گرایش تبعیض

نژادی^۱ و تبعیض جنسی^۲ تعبیر شود و یا حتی ایدئولوژی خاص مانند مردسالار بودن را بیان کند (Agha Gul Zadeh, 1391: 6). با توجه به این مورد، ضمیر "ما" در روزنامه‌نگاری زنان دارای ایدئولوژی جنسیتی می‌باشد که در حقیقت واکنشی در برابر تاریخ اجتماعی مردسالارانه در زمان خود است. امری که به کرّار در نامه‌نگاری‌های زنان در روزنامه ایران‌نو قابل مشاهده است.

نمونه دیگری که می‌توان در روزنامه‌نگاری زنان در راستای مسأله تحلیل محتوا به آن اشاره نمود، بافت موقعیت کلمات است. بافت موقعیت کلمات به بافتی گفته می‌شود که همه عناصر سازنده در یک نامه مانند مکان، زمان، هدف، جایگاه و موقعیت اجتماعی نویسنده و مخاطب، موقعیت گفتمان مورد بحث و گفتمان رقیب و دیگر موارد را بررسی می‌کند (Ibid: 11-10). براساس کلمات مذکور در مورد روزنامه‌نگاری زنان نیز پرسش‌هایی است از قبیل این که:

۱- نامه‌ها و موارد تحلیل در کدام روزنامه‌ها درج شده‌اند و آن روزنامه دارای چه نوع خط فکری می‌باشد؟

۲- نگارنده نامه‌ها چه کسانی هستند و مخاطب آنان چه گروهی می‌باشند؟

۳- این نامه‌ها در چه دوره زمانی مطرح می‌گردند و دلیل طرح آنان چیست؟

۴- موقعیت گفتمان رقیب در جامعه از نظر قدرت سیاسی و اجتماعی چگونه است؟

در مورد تفسیر و تحلیل بافت موقعیت در مورد روزنامه‌نگاری زنان در پاسخ به پرسش‌های بالا باید عنوان نمود که نامه‌های مورد تحلیل در مقطعی از تاریخ تحولات اجتماعی ایران به نام دوره مشروطه دوم در سال ۱۳۲۷ق/۱۲۸۸ش به نگارش در آمده است. در این زمان هدف روزنامه‌نگاری زنان، تحقق حقوق اجتماعی زنان است که نگارنده‌گان آنها معمولاً از گروه‌های اجتماعی متوسط به بالا و تحصیل کرده جامعه ایران اواخر عصر قاجار می‌باشند. گفتمان رقیب در این نگرش نیز، گفتمان تاریخ مذکر است که دارای سابقه‌ای طولانی در ادبیات و باور اجتماعی جامعه ایران می‌باشد که متناسب با الگوی گفتمانی‌اش نسبت به زنان؛ نفی، ستیز، محدودیت و محرومیت از حقوق اجتماعی را برای زنان قائل است. مخاطب نامه‌نگاری‌های زنان نیز، تمام زنان جامعه ایران هستند و هدف از این کار، بیداری آنان از جهالت است. نکته اساسی دیگر در این بین روزنامه‌ای است که مقالات زنان در آن درج می‌شود، زیرا تجزیه و تحلیل یک خبر یا مقاله به خودی خود، پیش از شناخت روزنامه‌ای که آن را چاپ می‌کند و بدون توجه به اهمیتی که در صفحه و با آن داده می‌شود، هیچ واقعیتی را آشکار نمی‌سازد (Motamednejad, 1356: 104). روزنامه‌ای که نامه‌نگاری زنان در آن درج می‌گردد، از نظر خط فکری متعلق به دموکرات‌ها می‌باشد و بر همین اساس است

¹- Racism

²- sexism

که در میان مطبوعات این سال، روزنامه ایران نو، مهم‌ترین روزنامه‌ای است که بیشترین نامه نگاری-ها در مورد نگرش به زن و حتی به نگارش زنان، در آن درج شده است. در مورد بافت موقعیت و میزان تکرار کلمات نیز باید اشاره داشت، واژگانی مانند نسوان به معنی زنان، خواهران و دبستان، بیشترین ضریب تکرار را در بین کلمات در نامه نگاری‌های زنان در روزنامه ایران نو دارند.

به طور نمونه جدول ذیل نشان دهنده میزان تکرار واژگان نامه یکی از زنان ایرانی می باشد.

عنوان نامه: "مکتوب یک خانم مسلمان از عشق آباد روسیه"

نویسنده: "کمینه شمس کسمائی"

واژه	عدد تکرار
ایران - ایرانیان - ایرانی	۶
مملکت	۲
ترقی و آبادی	۱
مدرسه	۵
روزنامه	۲
مردان - برادران	۸
ملت	۱
معلمه (معلم زن)	۲
صفات منفی (بی سواد، بیکاری)	۴
نسوان - خواهران - زنها	۱۹
ضمیر "ما" (معرف اتحاد جمعی زنان)	۲
وطن خواه - وطن دوست	۳
علم - هنر - ادب	۵
شغل (برای زنان)	۳
اروپا	۳

نگارنده‌ی این نامه، شمس کسمایی ابتدا به تقدیر از ایجاد مدارس دخترانه در ایران می پردازد و این کار را "حیاتی نو" در ایران نو - ایران بعد از استبداد صغیر - معرفی می کند (Iran no, 16 shawwal 1327: 4)، سپس به مقایسه زنان ایرانی و اروپایی با همدیگر می پردازد. در این نامه، دو مطالبه اجتماعی برای زنان، توسط نگارنده آن نامه مطرح می گردد که عبارت اند از:

۱- ایجاد مدرسی که فنون "دکتری دندان سازی" و "جراحی قابلگی" را به زنان بیاموزد (Ibid).

۲- ایجاد زمینه کار و شغل برای زنان (Ibid).

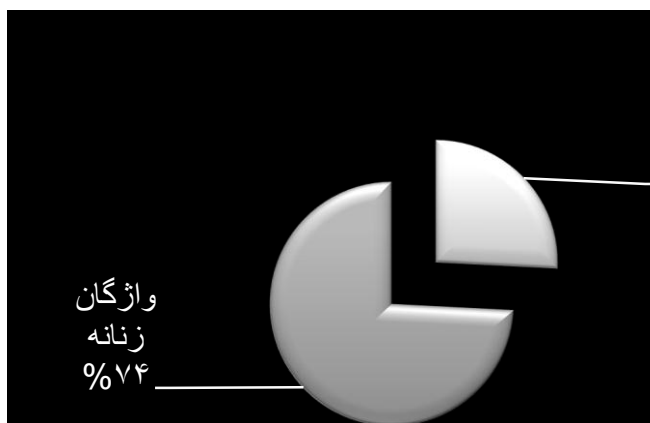
نگارنده در این نامه، در به کار بردن واژگان تفکیک کننده جنسیتی دقت کامل را دارد و واژگانی مانند "زنها"، "خواهران" و استفاده از ضمایی مانند "ما" که ایجاد کننده نوعی اتحاد جمعی میان زنان است را در نگارش خود به کار می‌برد. یکی از موارد بسیار مهمی که زنان در نامه نگاری‌های خود در مطبوعات دوره مشروطه در معرفی خود به آن دقت می‌ورزند، استفاده از کلماتی است که بر جنبه اتحاد و اشتراک زنان تأکید می‌نماید. کلمه خواهران در این میان همان کلمه اساسی است. خواهر بودن در حقیقت یعنی همبستگی زنان بر اساس شرایط، تجربیات و داشتن نگرانی‌های مشترک^۱. خواهر بودن، ویژگی‌های تفاوت گونه و تبعیضی مانند نوع تفکر، وابستگی به طبقه اجتماعی خاص، نوع پوشش و دیگر مطالبی را که باعث تفاوت می‌شوند را نادیده می‌گیرد و تأکید خود را بر اصل مشترک مطالبات و حقوق اجتماعی زنان قرار می‌دهد. زنان در نامه نگاری‌های خود در مطبوعات در راستای مطرح کردن مطالبات جامعه‌شناختی، در مورد وضعیت بد زنان ایرانی در جامعه عصر مشروطه، خطاب به زنان طبقه بالای جامعه اشاره می‌کنند "ای بی چاره این‌ها خواهران تواند" (Iran no, 16 shawwal 1327: 4) یا در نامه‌ای دیگر در روزنامه زبان زنان به عنوان سومین روزنامه منتشر شده توسط زنان در ایران، مقاله‌ای با عنوان "خواهران بیدار شوید" (Zaban Zanān, 19 Rabi al-Awwal 1338: 1) وجود دارد که همگی زنان ایرانی را به دریافت آگاهی دعوت می‌کند. نکته مهم در این نامه نوع نگارش واژه خواهران به شکل "خواهران" است که گویای رویکرد پارسی نویسی در قالب ستیز با زبان عربی را هم دارد. حتی استفاده از واژه "خواهران" نیز بعد از استفاده در قالب اتحاد جمعی زنان ایرانی از حوزه ملیت می‌گذرد و جنبه فرا ملی پیدا می‌کند که نمونه آن نامه‌ی زنان ایرانی مقیم اسلامبول به ملکه انگلستان و آلمان می‌باشد. نامه‌ای که در آن زنان ایرانی از ملکه‌های آن دو کشور تقاضا می‌کنند که "با میانجیگری به خاطر خواهران [خود]" از کشتاری که توسط نیروهای حکومت قاجار صورت می‌گیرد، جلوگیری کنند (Bradford, 1959: 155).

در این نامه نگاری‌ها معمولاً میزان استفاده از کلماتی که معرف زنان است، نسبت به جنس دیگر یعنی مردان، چند برابر می‌باشد.

۶- در مورد استفاده از لفظ خواهری و اهمیت آن در ایجاد خیزش‌های فمینی و مطالبه‌گری‌های حقوق اجتماعی زنان از کتاب‌هایی چون "خواهری، جهانی است" و "خواهری قدرتمند است" می‌توان نام برد.

A) Robin, Morgan, 1984, *Sisterhood is Global: The International Womens Anthology*, Feminist Press at CUNY.

B) Robin, Morgan, 1970, *Sisterhood is powerful*, London, Vintage Books.



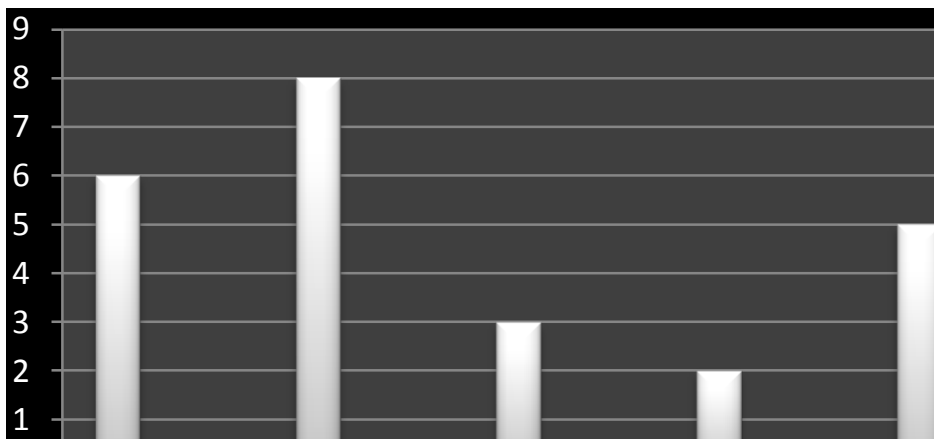
در تحلیل گفتمانی و واژگانی در نامه‌نگاری‌های زنان، نخستین تلاش تغییر واژگانِ کاربردی در این نامه‌نگاری‌ها می‌باشد به طوری که به جای استفاده از کلماتی چون مخدرات به معنی کسی که پوشش او باعث عدم تحرک اجتماعی‌اش می‌شود و کمینه که دارای بار منفی می‌باشد از واژگانی چون "زنان" و "خواهران" استفاده می‌نمایند تا باری مثبت برای کلماتی که معرف کننده زنان می‌باشد در رویکر جامعه ایجاد گردد. زنان در نامه‌نگاری‌های خود از کلماتی که به لحاظ ساختاری و جنس‌گرایانه، مذکر هستند، استفاده نمی‌کنند. این روش زمانی اهمیت خود را نمایان می‌سازد که به جایگاه و نقش بازسازی واژگان در معرفی صحیح و برداشت درست جامعه از زن واقف باشیم (Lerner, 1392: 18). نمونه مشابه آن در نامه‌نگاری زنان و به خصوص در نگارش‌های شخصی با نام "طائره" که بیشترین نامه‌های زنان در روزنامه ایران‌نو از همین شخص می‌باشد نیز این سیر قابل مشاهده است و در نتیجه او دلیل محرومیت زنان را خود آنان معرفی می‌نماید و اشاره دارد "هرچه هست از قامت نا ساز بی اندام ماست" (Iran no, 29 shawwal 1327: 3) و با این امر وجود یک نیروی فرادست را بر فرودستی زنان، از بین می‌برد.

زنان در نامه‌نگاری‌های خود، بر نقش مادری نیز تأکید زیادی می‌ورزیدند. بر این اساس از "مادرگرایی"^۱ به عنوان اصلی‌ترین امتیاز جنس زن نامبرده می‌شود. در این بین تفاوت عمده خیزش اجتماعی زنان ایرانی با زنان اروپا که حرکت‌های خود را در قالب فمینیستی شکل می‌دهند همین امر است که زنان ایرانی بر نقش مادری به عنوان یک ویژگی برترانه برای زن استفاده می‌کنند که نمونه‌های آن در نامه‌نگاری‌های آنان در مطبوعات عصر مشروطه قابل مشاهده است، اما زنان اروپایی در تلاش برای حذف ویژگی هستند که تنها خود آنان دارای آن می‌باشند. علاوه بر این زنان ایرانی حتی وطن خود را نیز در قالب مام وطن و مادر وطن مجسم می‌نمایند. در روزنامه

^۱ - Momism

فکاهی بهلولِ تهران، تصویری زنی درج است که حیوانات در حال حمله به او هستند، حیوانات نمادی از استبداد اند و آن زن "بیچاره وطن" می‌باشد (Bohloul, 8 Rabi Alakhar 1329: 1) نمونه دیگر نامه‌ای است با عنوان "مادر ما ایران" (Zaban Zanan, 9 Shawwal 1338: 1). زنان در این نامه علاوه بر این که ایران را با نام "مادروطن" معرفی می‌کنند، از جامعه جهانی نیز با عنوان "مادربزرگ" و مادر بشر نیز یاد می‌کنند. میزان تکرار کلمات مهم در این نامه به صورت ذیل می‌باشد.

سیر تبدیل کلمات: ۱- نقش مادری زن، ۲- مام وطن و مادر وطن، ۳- مادر بزرگ و مادر بشر



در حقیقت زنان در نامه نگاری های خود در روزنامه ایران نو، حقوق اجتماعی و مدنی خود را که در قالب حرکت حقوق زنان در قالب مطالبه گری های اجتماعی مطرح می نمودند را در شکل رهایی زنان به معنی رهایی از محدودیت های سرکوبگرانه شکل می دهند.

بر اساس منابع و نامه نگاری های زنان، اصلی ترین مطالبه جامعه اجتماعی آنان نیز، تلاش برای ایجاد مدارس نسوان بود. امری که هرچند با اعتراض های عده ای از مخالفان مشروطه مواجه بود، اما با تلاش و همگرایی اجتماعی زنان، تحقق یافت. در این بین در نتیجه مطالبه گری های زنان بود که پس از هفت سال از برقراری نظام مشروطه در ایران تعداد مدارس دخترانه به شدت افزایش یافت و در تهران در سال ۱۳۳۱ قمری/۱۲۹۲ شمسی تعداد ۶۱ مدرسه دخترانه با حضور ۱۴۷۴ نفر محصل وجود داشت (Shokufe, SafaR 1332:3-4). دختران برای تحصیل در این مدارس نیز باید هزینه مالی پرداخت می نمودند و البته برخی اشخاص هم بودند که به دلیل مشکل مالی جزء بورسیه های مدارس بودند که تعداد این گروه نیز در مدارس دختران از مجموع کل، ۵۹۳ نفر بوده است (Ibid). در قالب همین مطالبه گری های اجتماعی نیز بود که در ۱۴ سال پس از مشروطه، در

مقاله‌ای با عنوان "اساس انقلاب اجتماعی، تربیت زنان" در روزنامه کاوه خبر از رشد مدارس دخترانه در تهران داده شد (Kaveh, ghore Shawwal 1338:6).

در انتها در مورد نوع مطالبات جامعه اجتماعی زنان در نامه نگاری‌های آنان در مطبوعات دوره مشروطه می‌توان عنوان داشت که در این نامه نگاری‌ها، مطالبه‌گری اجتماعی زنان در دو محور بوده است. یک نگرش، تربیت و ایجاد مدارس نسوان را هدف اصلی خود قرار داده بود که بیشتر مطبوعات داخلی و روزنامه‌هایی چون کاوه در خارج نمونه آن هستند. نگرش دیگر نیز علاوه بر مطرح کردن اهمیت مدارس نسوان، برابری حقوق زن و مرد را مطالبه خود قرار داده بودند که روزنامه اختر و ایران نو در ایران و فرنگستان در برلین را می‌توان از این دست دانست.

نتیجه‌گیری

پی‌بردن به نقش اجتماعی زن و مقایسه او برای تعیین میزان توانایی‌هایش زمانی می‌تواند درست باشد که آنان چون مردان از تمام مزایای اجتماعی برخوردار باشد. در این میان در بررسی تاریخ ایران، به مشروطه باید با نگاهی دیگر نگریست. دوره‌ای که آشنایی با فرهنگ غرب، طرح مطالبات اجتماعی، تلاش برای سوادآموزی، روزنامه‌نگاری و حضور در صحنه‌های اجتماعی را برای زن ایرانی به همراه آورد. دوره‌ای که می‌توان آن را به عنوان نخستین دوره‌ای در تاریخ ایران معرفی نمود که زنان به طرح مطالبات اجتماعی خود در آن پرداخته‌اند. در حقیقت می‌توان مشروطه را نقطه گاه آغازین عبور زنان ایرانی از نگرش سنتی جامعه‌ای دانست. بر این اساس تلاش زنان در کشورهای اروپایی برای رسیدن به دانش و مسأله سوادآموزی، باعث ایجاد حرکتی مشابه توسط زنان ایرانی می‌گردد، به صورتی که سوادآموزی بدل به برجسته‌ترین و با اهمیت‌ترین خواسته زنان در این دوران می‌شود. زمینه پیگیری و پیروزی زنان ایرانی در ایجاد زمینه برای سوادآموزی دختران زمینه‌های ایجاد نامه نگاری در مطبوعات و تأسیس مطبوعات مخصوص زنان مانند "دانش"، "شکوفه" و "زبان زنان" را هموار می‌نمود.

مطبوعات در این بین به دلیل ارتباط نزدیک با بدنه جامعه و ارائه درخواست‌های اجتماعی، تنها منبع انعکاس اخبار و اطلاعات، دارای اهمیتی افزون نسبت به دیگر منابع می‌باشد. در میان مطبوعات دوره نهضت فکری مشروطه می‌توان از روزنامه ایران نو به عنوان یکی از مطبوعات پیشرو در نشان دادن سیمای حقیقی زن نام برد. اهمیت بررسی نقش زن و نگارش‌های او در روزنامه ایران نو از این جهت است که این روزنامه را می‌توان جزء مطبوعات بسیار تأثیرگذار در پیشبرد مطالبات اجتماعی زنان معرفی کرد. مطرح کردن اهمیت دانش آموزی برای زنان و نقش سواد در تربیت فرزند، حضور زنان در مسائل سیاسی و تأکید بر دو نقش مهم زنان یعنی خواهری برای اتحاد بیشتر و مادری برای تأثیر گذاری بیشتر در راستای رسیدن به مطالبات جامعه شناختی، قابل اشاره است.

نکته اساسی دیگر در مورد این روزنامه، دیدگاه انتقادی آنان می‌باشد که مسأله شناخت برای زنان را با هدف تغییر مطرح می‌سازد. این روزنامه در حقیقت بیش از آن که وظیفه اطلاع رسانی را برعهده داشته باشد، منعکس کننده خواسته‌های جامعه شناختی زنان بوده است. مطرح کردن خواسته‌های جامعه شناختی زنان نیز زمانی اهمیت می‌یابد که به این نتیجه رسیده باشیم که به دلیل عدم سواد خواندن توسط زنان، بیشتر خوانندگان این روزنامه نیز مردان بودند و آگاهی دادن به مردان در مورد حقوق اجتماعی زنان نیز از دیگر هدف‌های نامه نگاری‌های زنان بوده است. زنان با نامه نگاری‌های خود در روزنامه‌ها و مطبوعات این دوره و با استمرار تکرار مطرح کردن مطالبات جامعه شناختی توانستند در کمتر از ده سال پس از برقرای مشروطه در ایران، تعداد مدارس دخترانه را افزایش دهند و اهمیت سواد و دانش برای زنان و نقش آن در تربیت فرزند را در جامعه تثبیت نمایند.

Refrence

Afary, Janet (1996). *The Iranian Constitutional Revolution 1906-1911: Grassroots Democracy, Social Democracy and Origins of Feminism*, New York: Columbia University Press.

Aghagol zadh, Ferdous, (1391). "describe and explain the ideological language of critical discourse analysis", in *Essays Written by:* No. 10, pp 20-1.

Baghdar Delgosha. Ali (1394), *Reviewing Women's Social Demands in the Printing Press of Constitutional era (With emphasis on Sour-Esrafil, Mesavat, and Iran Noe Newspapers)*, Graduate Studies Thesis, Ferdowsi University of Mashhad.

Bradford, G. Marten (1959). *German Persian Diplomatic Relations 1873-1912*: Moutonco.

Eid, Mushira (2002). *the World of Obituaries : Gender Across Cultures and Over Time*: Detroit wayne State University Press.

fasyhe, Simin (1389). "From the backyard to the field of women dealing with the dichotomy of nature and culture society of the Constitutional Revolution to the end of the Qajar era" in the history of Islam and Iran. No. 8, pp. 138-115.

javadi, Hassan; Manizheh Marashi, Shkrlv Simin (1992). *facing men and women in Qajar Iran: Two treatises and disadvantages Alrjal Alnsvan discipline, age, leprosy, and now the focus of research on women in Iran.*

Hazrati, Hasan; Afsaneh Rowshan (1389). "Position of social evolutions of different nations women in Persian press (From the start of press till the end of second Constitution)" the *Pejuhesh Nameh Anjoman-e Iraniye Tarikh*. Vol 2, No 6, pp1-17.

kermani, Nazm-Alaslam (1387). *Iranian history. Correction Saidi-effort*: Tehran's Amir Kabir.

Mahdi, Ali Akbar (2004). "The Iranian Women's Movement: A Century Long Struggle" . *The Muslim World* . Vol. 94, Issue4, pp:427-448.

Mansur, Roshaanak , (1363). "Constitutional female figures in the media," the other half, Year 1, No. 1. Pp: 12-29.

Millaini, Farzaneh (1999). "Gender Relations in Persis", *Encyclopaedia Iranica*. Vol. 10, Fasc4, pp 405-411.

Millaini, Farzaneh (1992). *Veils and World: the Emeging voices of Iranian women writers*. Syracuse N.Y : Syracuse University Press.

Motamed nezhad, K., (1356), research on media content, Tehran, Faculty of Social Communication.

Rafyi, M. (1362). Forum: Azerbaijan organ. Tehran: Iran's publication date.

Sadeghi, hamideh (2007), Women and Politics in Iran: Veiling, Unveiling and Reveiling, New York : Cambridge University Press.

Spongberg, Mary (2002). Writing Women's History since the Renaissance. New York, Palgrave Macmillan.

Najm Abady, A. (1374). "Women and men in constitutional change", the other half, Volume II, No. 2, pp:105-72.

Offen, Karen, Ruth Roach Pierson. (1991). Writing Women History: International Perspectives. Bloomington: Indiana University Press.

Zanjani zadeh, Homa; Baghdar Delgosha, (1394). " Sociological review of women's journalism in the era of constitutional, The Social Problem of Iran, Vol 6, No 1, pp 61-80.

Zinsser, Judith ,(1993). History and Feminism : A Glass half full .New York : Twayne.

Newspapers

anjmn Tabriz. First Year. No. 41, 25 Hajjah sacred calendar 1324 AH, p. 4.

Bohloul., First Year. No. 8, 8 Rabi Miscellaneous AH 1329, p. 1.

Iran no. First Year. number 5, 12 Shaban 1327AH, p. 1.

First Year. No. 13, 22 Shaban 1327AH, p. 2.

First Year. No. 17, 27 Shaban 1327 AH, p. 2.

First Year. No. 19, 29 Shaban 1327 AH, p. 3.

First Year. No. 33, 18 Ramadan 1327 AH, p. 4.

First Year. No. 50, 11 Shawwal 1327 AH, p. 3.

First Year. No. 51, 12 Shawwal 1327 AH, p. 3.

First Year. No. 54, 16 Shawwal 1327 AH, p. 4.

First Year. No. 56, 18 Shawwal 132 AH, p. 4.

First Year. No. 65, 29 Shawwal 1327 AH, p. 3.

First Year. No. 68, 3 Zeghade 1327 AH, p. 2.

Kavh, Vol. 5, No. 6, the new moon of Shawwal 1338 AH, pp. 7-6.

Majles, first year, 6, 16 Shawwal 1324 AH Almkrm, p. 3.

Neday vatan. year, number 70, 23 Sha'ban AH 1325, pp. 4-2.

Shokufe, Second Year. No. 20, 1332 lunar Sfralmzfr proud city, p 4-3.

- Tamaddon , First Year, N.7,12 rabe al aval 1325,p.3.
Zban zanan. First Year, No. 11, 19 Rabi al-Awwal 1338 AH, p. 1.
Zban zanan. First Year, No. 34, 9 Shawwal, 1338 AH, p.
1.(Persian)